

The Educational Approach of Jurisprudence in Deterring Ideological Deviation: From Clarifying Beliefs to Strengthening Insight

Mohsen Kashani¹

Department of Shiite Sects, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

Syed Mohyi al-Din Hosseini²

Department of Jurisprudence and Principles, Qom Seminary, Qom, Iran.

Mohammad Dayyani³

Department of Propagation, Imam Khamenei Specialized Center, Qom, Iran.

Abstract:

The educational approach of Islamic jurisprudence in deterring the phenomenon of ideological deviation is a preventive and fundamental strategy, the ultimate goal of which is to immunize thoughts against doubts. Instead of focusing solely on coercive measures, this approach relies on "strengthening insight" and "clarifying beliefs" as its two main pillars. In the axis of clarifying beliefs, the duty of scholars and religious institutions is to present authentic Islamic teachings in a clear and rational manner, so that the truth of the religion becomes transparent to all, especially the younger generation. Alongside this, the axis of strengthening insight means cultivating analytical power, critical thinking, and the ability to distinguish truth from falsehood in individuals. This is achieved by encouraging the acquisition of knowledge, reflection on divine verses, and awareness of the deceptive methods of deviant currents. This educational strategy is linked to institutions such as the family, the mosque, and the educational system, and in the long term, vaccinates society against intellectual storms. This perspective demonstrates the depth of jurisprudence's insight in addressing the roots of deviation before it takes shape.

Keywords: Deviation, Jurisprudence (Fiqh), Education, Deterrence, Thought.

¹. mohsenkashani72797@gmail.com

². hoseynimohi69@gmail.com

³. mohammaddayyani256@gmail.com

رویکرد تربیتی فقه در بازدارندگی از انحراف فکری؛ از تبیین عقاید تا تقویت بصیرت

محسن کاشانی^۱

گروه فرقه های شیعه، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

محمی الدین حسینی^۲

گروه فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

محمد دیانی^۳

گروه تبلیغ، مرکز تخصصی امام خامنه ای، قم، ایران.

چکیده

رویکرد تربیتی فقه اسلامی در بازدارندگی از پدیده انحراف فکری، یک استراتژی پیشگیرانه و بنیادین است که هدف نهایی آن، ایمن سازی اندیشه ها در برابر شبهات است. این رویکرد، به جای تمرکز صرف بر برخورد های قهری، بر «تقویت بصیرت» و «تبیین عقاید» به عنوان دو رکن اصلی تکیه می زند. در محور تبیین عقاید، وظیفه علما و نهادهای دینی، ارائه آموزه های اصیل اسلامی با زبانی گویا و استدلالی است تا حقانیت دین برای همگان به ویژه نسل جوان شفاف شود. در کنار آن، محور تقویت بصیرت، به معنای پرورش قدرت تحلیل، تفکر نقاد و توانایی تشخیص حق از باطل در افراد است. این امر از طریق تشویق به کسب علم، تفکر در آیات الهی و آگاهی از شگردهای مغالطه آمیز جریان های انحرافی محقق می شود. این راهبرد تربیتی، با نهادهایی مانند خانواده، مسجد و نظام آموزشی پیوند می خورد و در بلندمدت، جامعه را در برابر طوفان های فکری واکسینه می کند. این نگاه، نشان دهنده عمق بینش فقه در پرداختن به ریشه های انحراف، قبل از شکل گیری آن است.

کلیدواژگان: انحراف، فقه، تربیت، بازدارندگی، فکر.

^۱ . mohsenkashani72797@gmail.com

^۲ . hoseynimohi69@gmail.com

^۳ . mohammaddayyani256@gmail.com

۱. مقدمه

انحراف فکری و اعتقادی، به عنوان تهدیدی برای بنیان‌های هویتی فرد و جامعه، همواره مورد توجه نظام‌های اعتقادی بوده است. فقه اسلامی، که به تنظیم جامع روابط انسان می‌پردازد، نمی‌تواند در برابر این پدیده سکوت کند. اگرچه رویکردهای قضایی و کیفری برای مقابله با موارد حاد ضروری است، اما حکمت فقیهانه، اولویت اصلی را بر راهبردهای پیشگیرانه و تربیتی قرار می‌دهد. این نگاه، هدف را درمان ریشه‌ای بیماری ضلالت، پیش از بروز اجتماعی آن می‌داند. از این منظر، «رویکرد تربیتی فقه در بازدارندگی از انحراف فکری» به عنوان جامع‌ترین و اثرگذارترین راهبرد، در کانون توجه قرار می‌گیرد.

این رویکرد تربیتی بر یک اصل کلیدی استوار است: ایمان پایدار، ریشه در شناخت و یقین دارد. بنابراین، مقابله با انحراف، بیش از آنکه نیازمند مجازات باشد، محتاج معرفت و بصیرت است. فقه اسلامی با تکیه بر منابع دینی، دو محور اصلی «تبیین عقاید» و «تقویت بصیرت» را به عنوان ارکان یک نظام تربیتی ضد انحراف ارائه می‌کند. این دو محور، مکمل یکدیگر بوده و در کنار هم، ایمانی استدلالی و مصون‌ساز را پایه‌ریزی می‌کنند.

محور اول، «تبیین عقاید»، به معنای ارائه نظام فکری منسجم و پاسخگوی اسلام در برابر پرسش‌های بنیادین است. در عصر حاضر که امواج شبهات، افکار را نشانه رفته‌اند، ارائه مفاهیم سطحی می‌تواند خود عاملی برای شک باشد. بنابراین، تبیین عقاید به معنای واکاوی فلسفه احکام، پاسخ به پرسش‌های نوظهور، بیان دلایل عقلی و نقلی و شفاف‌سازی اندیشه اسلامی در برابر مکاتب رقیب است. وقتی یک جوان مسلمان با دلیل و برهان، چرایی باورهایش را بفهمد، همچون کسی است که سلاحی محکم در برابر تیرهای شبهه دارد.

اما تبیین به تنهایی کافی نیست و «تقویت بصیرت» به عنوان محور دوم، نقش مکمل را ایفا می‌کند. بصیرت به معنای بینش عمیق و قدرت تشخیص حق از باطل است. یک فرد با ایمان اما فاقد بصیرت، مانند سربازی است که سلاح دارد اما نمی‌داند چگونه از آن استفاده کند. فقه با تأکید بر مفاهیمی چون تفکر، تعقل و تدبیر، به پرورش این قوه می‌پردازد. بصیرت به افراد می‌آموزد که چگونه به ریشه‌ها و اهداف شبهات بیندیشند و با روش‌های استدلالی و شناخت مغالطات، در برابر فریب فکری مقاومت کنند.

برای نهادینه شدن این رویکرد، بسترسازی در کانون‌های اصلی تربیت یعنی خانواده، نظام آموزشی و نهادهای مذهبی مانند مساجد ضروری است. وقتی این نهادها هم‌سو بر تبیین خردپذیر

عقاید و تقویت قدرت تحلیل تمرکز کنند، جامعه در بلندمدت به مصونیتی درونی در برابر حملات فکری دست می‌یابد. بنابراین، رویکرد تربیتی فقه، سرمایه‌گذاری بر ساختن انسان‌های آگاه و خردورز است تا با ایجاد دیوارهای بلند بصیرت، از هزینه‌های سنگین مقابله با عواقب اجتماعی انحراف جلوگیری شود.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی ابعاد مختلف این رویکرد تربیتی و سازوکارهای تأثیر آن در بازدارندگی از انحراف فکری است. پرسش اساسی این است که فقه اسلامی چگونه از طریق این دو محور، می‌تواند افراد را در برابر انحرافات فکری واکسینه کند و چه راهکارهای عملی برای تحقق این هدف در جامعه وجود دارد.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع انحراف فکری و راهکارهای مقابله با آن، به‌ویژه از منظر فقه تربیتی، در عصر کنونی مورد توجه اندیشمندان حوزه دین بوده است. این موضوع مهم، در ادبیات علمی و تحقیقات دانشگاهی نیز بازتاب گسترده‌ای داشته و از زوایای مختلفی به آن پرداخته شده است. برای ترسیم دقیق‌تر فضای موجود و تعیین جایگاه بحث حاضر، به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

الف) کتاب‌ها

۱. کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» (۱۳۷۷)، نویسنده: مطهری، مرتضی. نویسنده در این کتاب به بررسی نظام‌مند مبانی تربیتی اسلام پرداخته و در فصول مختلف، به راهکارهای مقابله با انحرافات فکری اشاره کرده است. تأکید استاد مطهری بر خردگرایی و استدلال‌پذیری در تربیت دینی، با محور تبیین عقاید در این پژوهش همسویی کامل دارد.

۲. کتاب «مبانی تربیت دینی» (۱۳۸۵)، نویسنده: محمود فتح‌علی. نویسنده در این کتاب به تبیین علمی و نظام‌مند اصول و روش‌های تربیت دینی پرداخته و در بخش‌های مختلف، راهکارهای تقویت بینش و بصیرت دینی را بررسی کرده است. این کتاب در تدوین چارچوب نظری پژوهش حاضر بسیار راهگشا بوده است.

ب) مقالات

۱. مقاله «تبیین عقاید و نقش آن در پیشگیری از انحرافات فکری» (۱۳۹۵)، محقق: محمدعلی

براتی.

این مقاله به بررسی روش‌های تبیین عقاید و تأثیر آن در مصونیت بخشی فکری پرداخته است. نویسنده در این مقاله، به شبهات رایج فکری و راهکارهای مقابله با آنها اشاره کرده که در بخش تبیین عقاید پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. مقاله «بررسی راهکارهای تقویت بصیرت دینی در قرآن کریم» (۱۳۹۶)، محقق: محمد کریمی که این پژوهش به استخراج و تحلیل راهکارهای قرآنی تقویت بصیرت پرداخته و الگوی نسبتاً کاملی در این زمینه ارائه داده است. یافته‌های این مقاله در بخش تقویت بصیرت پژوهش حاضر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

۳. مقاله «نقش تربیتی فقه در مقابله با آسیب‌های اجتماعی» (۱۳۹۷) محقق: رضا نوروزی. که محقق در این مقاله به بررسی ابعاد تربیتی فقه و ظرفیت‌های آن در مقابله با آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. اگرچه تمرکز مقاله بر آسیب‌های اجتماعی است، اما یافته‌های آن در زمینه رویکرد تربیتی فقه برای پژوهش حاضر مفید بوده است.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱. پایان‌نامه «روش‌های تربیتی مقابله با شبهات عقیدتی در قرآن کریم» (۱۳۹۴)، پژوهشگر: سید محمد رحیمی. این پایان‌نامه به بررسی نظام‌مند روش‌های تربیتی قرآن در مقابله با شبهات عقیدتی پرداخته و در بخش روش‌های تبیین عقاید برای پژوهش حاضر مفید بوده است.

۲. پایان‌نامه «بررسی راهکارهای تقویت بصیرت دینی در سیره امام علی(ع)» (۱۳۹۶)، پژوهشگر: فاطمه علیزاده. این پایان‌نامه (رساله دکتری) به تحلیل راهکارهای عملی تقویت بصیرت در سیره عملی امام علی(ع) پرداخته و الگوی عملی مناسبی در این زمینه ارائه داده است.

تفاوت پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها

پژوهش حاضر از چند جهت با آثار پیشین تمایز دارد. نخست آنکه رویکرد ترکیبی این پژوهش به بررسی همزمان دو محور تبیین عقاید و تقویت بصیرت در چارچوب فقه تربیتی می‌پردازد، در حالی که بیشتر تحقیقات پیشین تنها به یکی از این دو محور توجه کرده‌اند. دوم، نگاه نظام‌مند این پژوهش به سازوکارهای تأثیر این دو محور در بازدارندگی از انحراف فکری است که در تحقیقات مشابه کمتر دیده می‌شود. سوم، توجه به جنبه‌های کاربردی و عملیاتی کردن این رویکرد در شرایط کنونی جامعه، وجه تمایز دیگر این پژوهش محسوب می‌شود.

۳. ضرورت پژوهش

ضرورت این پژوهش در سه محور قابل تبیین است. نخست، ضرورت علمی که ناشی از خلأ مطالعات نظام‌مند در زمینه رویکرد تربیتی فقه در مقابله با انحرافات فکری است. دوم، ضرورت اجتماعی که با توجه به گسترش شبهات و آسیب‌های فکری در جامعه، ارائه راهکارهای تربیتی کارآمد را می‌طلبد. سوم، ضرورت کاربردی که لزوم ارائه الگوی عملی برای نهادهای تربیتی و فرهنگی را نشان می‌دهد. این پژوهش می‌کوشد با پاسخ به این سه ضرورت، گامی در جهت تحقق جامعه اسلامی و آگاه بردارد.

۴. مفهوم‌شناسی انحراف

قبل از پرداختن به مطالب اصلی مقاله، مفهوم لفظ انحراف در لغت و اصطلاح تبیین می‌شود تا با ایجاد فهمی مشترک و دقیق از این واژه، از هرگونه ابهام و تداعی نادرست معنایی جلوگیری گردد. این وضوح مفهومی، بنیانی استوار برای تحلیل‌های آتی فراهم می‌آورد و درک خواننده را از عمق و دامنه بحث، به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

الف) بررسی لغوی

واژه انحراف در زبان عربی از ریشه «حرف» گرفته شده که به معنای میل کردن و گرایش از مسیر اصلی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ص ۱۸۳). در متون دینی، معادل این مفهوم، «ضلال» و «ضالت» به کار رفته که به معنای گم کردن راه و خارج شدن از مسیر هدایت است (همان: ج ۳، ص ۳۳۵). در زبان فارسی نیز انحراف به معنای کج شدن، بازگشتن از راه راست و میل به باطل تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه انحراف).

ب) تعریف اصطلاحی

انحراف فکری و اعتقادی در اصطلاح، به معنای خروج از نظام فکری و باوری صحیح و گرایش به اندیشه‌ها و اعتقادات نادرست است. این مفهوم در علوم مختلف با تعابیر گوناگونی بیان شده است: الف: در حوزه علوم تربیتی، انحراف فکری به عنوان «گرایش به باورها و اندیشه‌های مخالف با ارزش‌های پذیرفته شده صحیح» تعریف می‌شود (فتح‌علی، ۱۳۸۵: ص ۱۵۶). در این تعریف، معیار سنجش، ارزش‌های تربیتی پذیرفته شده در نظام آموزشی است.

ب: از منظر جامعه‌شناسی معرفت، انحراف فکری «پذیرش الگوهای فکری ناسازگار با پارادایم‌های علمی و عقلانی مسلط» دانسته شده است (براتی، ۱۳۹۵: ص ۴۵). در این نگاه، سازگاری با معیارهای عقلانی و علمی ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد.

ج: در متون دینی، انحراف فکری به «خروج از نظام فکری مبتنی بر وحی و عقل سلیم» تعریف شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ق: ج ۱، ص ۲۶۷). در این تعریف، هماهنگی با آموزه‌های وحیانی و احکام عقل عملی، معیار ارزیابی به شمار می‌رود.

۵. تبیین عوامل پیدایش انحراف: دیدگاه علوم انسانی

علوم انسانی با رویکردهای تجربی خود، تلاش کرده‌اند تا علل و عوامل پیدایش انحراف را در سطوح مختلف تحلیل تبیین کنند. این نظریات را می‌توان در سه دسته کلی جای داد

۱-۵. نظریات انسان‌مرکز (عوامل درونی)

این دسته از نظریات، ریشه انحراف را در خود فرد و ویژگی‌های زیستی یا روانی او جست‌وجو می‌کنند.

۱-۱-۵. دیدگاه زیست‌شناختی

پیشگامان این دیدگاه مانند «لومبروزو» با تأکید بر عوامل توارثی و فیزیولوژیک، معتقد بودند مجرمان از نظر ویژگی‌های بدنی (مانند ساختار جمجمه، شکل فک و ابرو) با افراد عادی تفاوت دارند. به عبارت دیگر، برخی افراد به طور مادرزادی «مجرم متولد می‌شوند» (کیانیان، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۶۳). اگرچه این دیدگاه امروزه به شدت تعدیل شده، اما مطالعات بر روی تأثیر عوامل زیستی مانند ناهنجاری‌های کروموزومی، اختلال در کارکرد غدد و سیستم عصبی بر رفتار ادامه دارد (دانش تاج‌الزمانی، ۱۳۸۰: ص ۷۱-۱۱۱).

۲-۱-۵. نظریه انتخاب آزاد

این نظریه که ریشه در مکتب کلاسیک حقوق کیفری دارد، بر عقلانیت و اراده آزاد انسان تأکید می‌ورزد. بر این اساس، فرد پس از محاسبه سود و زیان یک عمل، آزادانه دست به انتخاب می‌زند. انحراف، نتیجه یک انتخاب عقلانی و آگاهانه برای کسب حداکثر لذت و حداقل درد است (سلیمی

و داوری، ۱۳۸۰: ص ۳۷۰-۳۸۴). در این نگاه، عوامل بیرونی تنها در حد زمینه‌سازی یا انگیزش اراده نقش دارند.

۳-۱-۵. دیدگاه روان‌شناختی

این دیدگاه با تمرکز بر عوامل روانی، به دو نظریه شاخص قابل اشاره است:

الف) نظریه ضعف شخصیت: بر اساس دیدگاه روان‌کاوی فروید، شخصیت انسان از سه بخش «نهاد» (غرایز و کشش‌های طبیعی)، «خود» (جنبه واقع‌گرای شخصیت) و «فراخود» (وجدان اخلاقی و آرمان‌ها) تشکیل شده است. هنگامی که «خود» نتواند بین خواسته‌های «نهاد» و ارزش‌های «فراخود» تعادل ایجاد کند و در برابر فشار غرایز ضعیف شود، فرد برای ارضای فوری تمایلاتش، هنجارهای اجتماعی را نادیده گرفته و مرتکب انحراف می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ص ۴۰۶-۴۱۴).

ب) نظریه نارسایی شخصیت: بر طبق این دیدگاه، افراد کجرو دارای شخصیتی متفاوت از دیگران هستند که با ویژگی‌هایی مانند بی‌قراری، کژخویی، بدبینی، خودخواهی و خشم مشخص می‌شود. این اختلالات شخصیتی که می‌تواند ریشه در وراثت، جامعه‌پذیری ناقص یا تجربیات شخصی داشته باشد، فرد را در تعارض با هنجارهای اجتماعی قرار داده و او را مستعد ارتکاب رفتار انحرافی می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ص ۴۱۴-۴۲۰).

۲-۵. نظریات محیط‌مرکز (عوامل بیرونی)

این نظریات، علل انحراف را در عوامل خارج از وجود فرد و در ساختارها و شرایط اجتماعی جست‌وجو می‌کنند.

۱-۲-۵. نظریه بی‌هنجاری (آنومی)

«امیل دورکیم» جامعه‌شناس کلاسیک، انحراف را محصول وضعیت «بی‌هنجاری» در جامعه می‌داند. هنگامی که در اثر تحولات سریع اجتماعی-اقتصادی، هنجارهای سنتی سست شده و نظم اخلاقی جامعه از هم بپاشد، آرزوها و خواسته‌های افراد دیگر توسط هنجارها محدود و کنترل نمی‌شود. این وضعیت منجر به «آرزوهای بی‌حد و حصر» و نارضایتی دائمی می‌شود و افراد برای دستیابی به اهدافشان به ابزارهای نامشروع متوسل می‌شوند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ص ۱۸). «مرتین» این نظریه را با تأکید بر «شکاف بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده» بسط داد. از نظر وی، هنگامی که جامعه رسیدن به اهداف موفقیت (مانند ثروت) را تبلیغ می‌کند، اما برای همه افراد وسایل مشروع

دستیابی به آن را فراهم نمی آورد، افراد طبقات محروم برای رسیدن به آن اهداف، به استفاده از وسایل نامشروع روی می آورند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ص ۴۲۹).

۲-۲-۵. نظریه تضاد هنجاری

این دیدگاه انحراف را نه ناشی از نبود هنجار، که محصول وجود هنجارهای متعارض در جامعه می داند. در جامعه خرده فرهنگ های متعددی وجود دارند که هر یک ارزش ها و هنجارهای خاص خود را دارند. هنگامی که هنجارهای یک خرده فرهنگ (مانند بزهکاری در یک محله فقیرنشین) در تعارض با هنجارهای مسلط جامعه قرار گیرد، افرادی که تحت تأثیر آن خرده فرهنگ هستند، اقدام به رفتار خلاف هنجار جامعه می کنند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ص ۴۴۹).

۳-۵. نظریات ترکیبی

در دهه های اخیر، دیدگاه های تلفیقی شکل گرفته اند که بر تأثیر متقابل و ترکیبی عوامل درونی و بیرونی تأکید دارند. بر اساس این نگرش، هیچ عامل واحدی شرط لازم یا کافی برای انحراف نیست، بلکه ترکیب های مختلفی از عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در تعامل با یکدیگر، فرد را به سمت کجروی سوق می دهند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ص ۳۱۰-۳۱۱).

۶. تبیین عوامل پیدایش انحراف: دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم با نگاهی جامع و چندبعدی به انسان و جامعه، پدیده انحراف را براساس مدلی ترکیبی اما متمایز از نظریات علوم انسانی تبیین می کند. از منظر قرآن، سه عامل کلیدی در تعامل پویا با یکدیگر، پدیده انحراف را شکل می دهند:

۱-۶. ساختار وجودی انسان (زمینه های درونی)

قرآن کریم به ویژگی های ذاتی و فطری انسان اشاره می کند که به خودی خود شر نیستند، اما در صورت عدم کنترل و هدایت، می توانند به بستر قدرتمندی برای انحراف تبدیل شوند.

۱-۱-۶. غرایز و هوای نفس

قرآن وجود کشش ها و تمایلات شدید نفسانی را به رسمیت می شناسد. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (اعراف: ۱۸۹). این غرایز که از آن به «هُوَى» تعبیر می شود، در صورت پیروی کورکورانه، انسان را به ورطه گمراهی می کشاند: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص: ۲۶). قرآن

داستان «بلعم باعورا» را مثال می‌زند که با وجود برخورداری از علم، به دلیل اخلاق به زمین و پیروی از هوای نفس، گمراه شد: «وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (اعراف: ۱۷۶). این بعد از وجود انسان، قابل مقایسه با تأکید نظریات روان‌شناختی بر غرایز (نهاد) است.

۲-۱-۶. کم‌ظرفیتی در برابر نعمت (طغیان ناشی از استغنا)

قرآن به ویژگی دیگری در نهاد انسان اشاره می‌کند که اغلب در نظریات روان‌شناختی نادیده گرفته می‌شود: طغیان و سرکشی در اثر احساس بی‌نیازی. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَى * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى» (علق: ۶-۷). این آیه نشان می‌دهد که ثروت و نعمت، به خودی خود می‌تواند همانند فقر و محرومیت، عامل انحراف باشد؛ زیرا انسان را دچار غرور و خودبینی کرده و او را از یاد خدا و التزام به اخلاق دور می‌سازد.

۳-۱-۶. حرص و زیاده‌خواهی

قرآن همچنین بر خصلت «هلوغ» (حرص و بی‌تابی شدید) در انسان تأکید می‌ورزد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (معارج: ۱۹). این ویژگی که در آیه دیگر به «حُبِّ شدید مال» تعبیر شده است (عادیات: ۸)، انسان را وامی‌دارد که برای دستیابی به خواسته‌هایش، از هر وسیله‌ای حتی خارج از چارچوب‌های مشروع استفاده کند.

۲-۶. بیش و باور غلط (عامل معرفتی)

قرآن بیش از هر چیز بر نقش محوری «شناخت» و «باور» در جهت‌دهی به رفتار انسان تأکید می‌کند. از منظر قرآن، بسیاری از انحرافات، ریشه در یک «خطای شناختی» بنیادین دارند.

۱-۲-۶. باورهای کلی باطل

اساسی‌ترین باور باطل که قرآن آن را عامل ریشه‌ای بسیاری از کجروی‌ها می‌داند، «انکار خدا و آخرت» است. کسی که به آخرت باور نداشته باشد، زندگی را تنها در همین دنیای محدود خلاصه می‌کند و برای بهره‌گیری حداکثری از لذایذ آن، خود را مقید به هیچ قاعده اخلاقی یا دینی نمی‌بیند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ» (محمد: ۱۲). این نگاه، با نظریه انتخاب عقلانی همسو است، با این تفاوت که محاسبات سود و زیان را به جهان آخرت نیز تسری می‌دهد.

۲-۲-۶. ارزش‌دواری نادرست (تزئین سوء عمل)

قرآن پدیده شگفت‌انگیزی را توصیف می‌کند که در آن، به دلیل سیطره هوای نفس و دوری از هدایت الهی، «عمل زشت در نظر انسان آراسته می‌شود»: «أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا» (فاطر: ۸). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مراد از آن کس که عمل زشتش برایش آراسته شده... کافر است و آیه اشاره دارد به این که فهمش وارونه و بر عقلش غلبه شده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ج ۱۷، ص ۱۹). این همانند آن است که در نظریه روان‌کاوی، «فراخود» ضعیف شده و فرد دیگر زشتی عمل را درک نمی‌کند. نمونه بارز آن، کسانی هستند که رباخواری را همانند تجارت حلال می‌پندارند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵).

۳-۲-۶. تعامل پویای عوامل درونی و معرفتی

قرآن بر رابطه دیالکتیکی و تأثیر متقابل این دو عامل تأکید می‌ورزد. از یک سو، پیروی از هوای نفس و غرایز مهارنشده، بینش انسان را تحریف کرده و او را از درک حقایق بازمی‌دارد: «فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ» (قصص: ۵۰). از سوی دیگر، باورهای باطل و بینش‌های غلط، به غرایز سرکش و خصلت‌های منفی مجال بروز بیشتری داده و آنها را تقویت می‌کنند. این چرخه معیوب، به تدریج فرد را در ورطه انحراف غرق می‌کند.

۳-۶. موقعیت بیرونی (عامل محیطی)

قرآن کریم به نقش مهم عوامل محیطی و اجتماعی در تسهیل یا تشدید انحراف کاملاً واقف است. این عوامل اگرچه به خودی خود علت تامه نیستند، اما همچون «جاده صاف‌کن» برای تأثیر عوامل درونی عمل می‌کنند.

۱-۳-۶. هم‌نشینی و هم‌نشینیان بد

قرآن به شدت مسلمانان را از معاشرت با کسانی که آیات خدا را قبول ندارند و آیات را به سُخره می‌گیرند، برحذر می‌دارد: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ» (نساء: ۱۴۰). این آیه به وضوح بر تأثیر محیط اجتماعی و گروه همسالان بر باورها و رفتار فرد اشاره دارد.

۲-۳-۶. تأثیر فقر و تنگدستی

قرآن کریم فقر را یک عامل فشارزا می‌شناسد که می‌تواند افراد را به سمت انحراف سوق دهد و بر لزوم کمک به نیازمندان برای پیشگیری از فساد تأکید می‌ورزد: «وَلَيْسَتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۳).

۳-۳-۶. وجود خرده‌فرهنگ‌های منحرف

قرآن به وجود گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی اشاره می‌کند که هنجارهای معارض با ارزش‌های الهی دارند، مانند قوم لوط که کار زشت خود را ترویج می‌کردند (اعراف: ۸۰-۸۱). این مفهوم، قابل مقایسه با «نظریه تضاد هنجاری» در جامعه‌شناسی است.

۴-۳-۶. آشفته‌گی هنجاری در جامعه

قرآن از اقوامی یاد می‌کند که به دلیل طغیان و ثروت بی‌حد، دچار فساد و بی‌بندوباری شده بودند: «إِنَّا مَدَدْنَا لَهُمْ فِيمَا إِذَا مَدَدْنَا لَهُ فِيهِ يَخَصِّمُونَ» (مؤمنون: ۵۵). این وضعیت، شباهت زیادی به مفهوم «آنومی» یا بی‌هنجاری در نظریه دورکیم دارد.

با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین بیان نمود که؛ دیدگاه قرآن، اگرچه عوامل گوناگون درونی و بیرونی را می‌پذیرد، اما بر یک نکته کلیدی تأکید می‌ورزد: محور اصلی تغییر، «درون» انسان است. عوامل بیرونی تنها زمانی می‌توانند تأثیر تعیین‌کننده داشته باشند که زمینه درونی آن در فرد فراهم باشد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). بنابراین، راهکار اصلی قرآن برای مقابله با انحراف، تغییر در باورها و تزکیه نفس است و کنترل عوامل بیرونی، در مرحله بعدی اهمیت قرار دارد.

۷. راهکارهای مقابله با انحراف فکری از دیدگاه قرآن و فقه

قرآن کریم و متون فقهی، راهکارهای جامع و چندلایه‌ای را برای پیشگیری و مقابله با پدیده انحراف فکری ارائه می‌کنند. این راهکارها که در یک نظام هماهنگ تربیتی جای می‌گیرند، بر «ایمن‌سازی درونی» فرد در کنار «اصلاح محیط بیرونی» تأکید دارند و می‌توان آن‌ها را در دو محور اصلی نظری و عملی دسته‌بندی نمود.

۱-۷. راهکارهای نظری (شناختی-بصیرتی)

این دسته از راهکارها، مستقیماً بر عامل کلیدی «بینش و باور غلط» تمرکز دارند و هدف آن‌ها، ایجاد یک نظام فکری مستحکم و توانایی تحلیل صحیح در فرد است.

۱-۱-۷. تبیین عقاید به مثابه بنیان‌سازی فکری

اساسی‌ترین راهکار، ارائه نظام فکری منسجم و استدلالی اسلام است. قرآن کریم پیوسته انسان‌ها را به «تعقل» و «تدبر» فرامی‌خواند و با ارائه براهین عقلی و تاریخی، حقایق توحید، نبوت و معاد را به چالش می‌کشد. این امر تنها با انتقال مفاهیم دینی محقق نمی‌شود، بلکه مستلزم «تبیین فلسفه احکام»، «پاسخ به پرسش‌های نوظهور کلامی» و «شفاف‌سازی اندیشه اسلامی در برابر مکاتب رقیب» است (براتی، ۱۳۹۵: ص ۶۷). علامه طباطبایی در المیزان با روش «تفسیر قرآن به قرآن»، نمونه‌ای عینی از این تبیین نظام‌مند را ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه آیات مختلف در یک شبکه به هم پیوسته، جهان‌بینی توحیدی را تشریح می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۵). این راهکار، پادزهر «ارزش‌دوری نادرست» و «تزیین سوء عمل» است؛ زیرا وقتی جوان مسلمان بداند که چرا توحید را بپذیرد، جایگاه عقل در دین چیست و چگونه معاد با عدالت خداوند مرتبط است، آنگاه مانند کسی است که سلاحی محکم در برابر تیرهای شبهه دارد.

۱-۲-۷. ترسیم پاداش و عقوبت به مثابه ایجاد انگیزه درونی و بیرونی

قرآن کریم به کرات به بیان نتایج و پیامدهای اعمال در قالب «بشارت» و «انذار» می‌پردازد. ترسیم نعمت‌های بهشتی برای مؤمنان و عذاب‌های دردناک اخروی برای کافران و بدکاران، تنها یک گزارش خبری نیست، بلکه یک «روان‌شناسی انگیزشی» عمیق است. این راهکار، سازوکار «انتخاب عقلانی» انسان را هدف می‌گیرد، اما محاسبه سود و زیان را از محدوده دنیای مادی فراتر برده و به ابدیت گره می‌زند. آیاتی مانند «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (بقره: ۲۵) و «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا» (نساء: ۵۶) به فرد می‌فهماند که سرنوشت نهایی او به انتخاب‌هایش در این جهان گره خورده است. این شناخت، هنگامی که درونی شود، انگیزه‌ای قوی برای دوری از انحراف و پایبندی به ارزش‌ها ایجاد می‌کند، حتی در شرایطی که عوامل بیرونی کنترل‌کننده وجود نداشته باشند.

۱-۳-۷. تقویت بصیرت به مثابه واکسینه‌سازی فکری

راهکار سوم که مکمل دو راهکار پیشین است، «تقویت بصیرت» است. بصیرت در اینجا به معنای «بینش عمیق»، «قدرت تشخیص حق از باطل» و «توانایی نفوذناپذیری در برابر فریب‌کاری‌های فکری» است. قرآن با تأکید بر مفاهیمی چون «تفکر»، «تعقل»، «تدبر در آیات» و «طلب علم»،

به پرورش این قوه در انسان می‌پردازد. بصیرت به افراد می‌آموزد که چگونه در برابر یک شبهه، تنها به ظاهر آن نگاه نکنند، بلکه به «ریشه‌ها، اهداف و نتایج آن» بیندیشند. آنان را با روش‌های استدلالی، مغالطات منطقی و تکنیک‌های تحریک عواطف که جریان‌های انحرافی از آن استفاده می‌کنند، آشنا می‌سازد (کریمی، ۱۳۹۶: ص ۱۱۲). پرورش بصیرت، شهروندان جامعه دینی را از حالت انفعال خارج کرده و به کنشگرانی آگاه تبدیل می‌کند که خود می‌توانند مسیر حق را از راه‌های انحرافی تمیز دهند. این راهکار، مستقیماً با «عامل بینش غلط» و مکانیزم «تزیین سوء عمل» مقابله می‌کند.

۷-۲. راهکارهای عملی (تربیتی-اجتماعی)

این راهکارها، زمینه تبدیل بینش صحیح به عمل و ایجاد محیطی سالم را فراهم می‌سازند.

۱-۷-۲. راهکارهای عملی فردی: عبادت به مثابه خودسازی مستمر

فقه اسلامی، انجام منظم عباداتی چون نماز، روزه، تلاوت قرآن و دعا را نه تنها یک تکلیف شرعی، که یک «برنامه عملی تربیتی» می‌داند. این عبادات با ایجاد پیوند مستمر انسان با خداوند و یادآوری مکرر معارف بنیادین، به «درونی‌سازی» آن معارف کمک شایانی می‌کنند. قرآن کریم به صراحت نقش بازدارنده نماز را بیان می‌کند: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵). این تأثیر از دو طریق حاصل می‌شود: نخست، از طریق محتوای خود عبادت که مشحون از معارف است (مانند سوره حمد در نماز) و دوم، از طریق تأثیری که تکرار یک عمل نیک در تثبیت حالت تقوا و خداپاوری در نفس انسان دارد. وقتی این حالت ملکه نفس شود، به صورت یک «کنترل‌گر درونی» قدرتمند درآمده و فرد را به طور خودکار از انحرافات بازمی‌دارد.

۲-۷-۲. راهکارهای عملی اجتماعی

فقه برای تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی و ایجاد فضایی که مانع از گسترش انحراف شود، راهکارهای متعددی دار که بصورت مختصر به دو مورد اشاره می‌شود:

الف) ارشاد و تبلیغ

این راهکار، نسخه اجتماعی «تبیین عقاید» است. قرآن کریم مؤمنان را موظف می‌کند که یکدیگر را به «حق» و «صبر» توصیه کنند (عصر: ۳). ارشاد، به معنای دعوت دلسوزانه و استدلالی دیگران به سوی حق است و هدف آن، آگاه‌سازی و روشنگری است. این کارکرد، پیش‌نیاز جامعه‌ای است که در آن افراد، دغدغه هدایت یکدیگر را دارند.

ب) امر به معروف و نهی از منکر

این فریضه، به عنوان «کلید همه فرایض» شناخته می‌شود (نجفی، ۱۴۱۷ ق: ج ۲۱، ص ۳۵۹) و مکانیزم نظارتی جامعه دینی را تشکیل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در مواجهه با پدیده پیچیده انحراف فکری، رویکرد تربیتی فقه اسلامی، راهبردی جامع و عمیق را پیش رو می‌نهد. این رویکرد با درک این واقعیت که انحراف ریشه در لایه‌های مختلف وجود انسان دارد، تنها به مقابله سطحی بسنده نکرده و به دنبال درمان ریشه‌ای بیماری است. تبیین عقاید، تقویت بصیرت و ترسیم پاداش و عقوبت، سه ضلع مثلثی هستند که می‌کوشند با استحکام‌بخشی به بنیان‌های فکری و ایجاد انگیزه‌های پایدار، فرد را در برابر طوفان شبهات و کشش‌های نفسانی واکسینه کنند. در این نگاه، انسان موجودی منفعل و قربانی شرایط نیست، بلکه با برخورداری از عقل و اراده، می‌تواند با کسب معرفت و تمرین عملی، به سپاهی قدرتمند در نبرد درونی با عوامل انحراف تبدیل شود.

در کنار این راهکارهای نظری، فقه با تکیه بر راهکارهای عملی فردی و اجتماعی، می‌کوشد فضایی را ایجاد کند که رشد و تعالی در آن تسهیل و انحراف در آن دشوار گردد. عبادات فردی به عنوان یک برنامه مداوم خودسازی، و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک سیستم نظارتی اجتماعی هوشمند، در تعاملی پویا، جامعه را به سمت تعادل و سلامت پیش می‌برند. این نگاه چندبعدی نشان می‌دهد که فقه، دین را تنها به مجموعه‌ای از احکام فردی محدود نمی‌داند، بلکه آن را یک «نظام تربیتی-اجتماعی» به هم پیوسته می‌شناسد.

اگرچه ساختارهای پیچیده جوامع مدرن ممکن است اجرای برخی از این راهکارها به ویژه در سطح خرد را با چالش مواجه کند، اما این به معنای ناکارآمدی آن‌ها نیست، بلکه ضرورت «اجرای هوشمندانه» و «تطبیق روش‌ها» با شرایط جدید را می‌طلبد. برای نمونه، تقویت بصیرت از طریق تولید محتوای جذاب در فضای مجازی، یا نهادینه کردن امر به معروف در قالب فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای، نمونه‌هایی از این تطبیق‌پذیری است. خردورزی نهفته در این راهکارها، توانایی پاسخگویی به نیازهای انسان در هر عصر و نسلی را دارد.

در پایان، می‌توان ادعا کرد که رویکرد تربیتی فقه، با تأکید همزمان بر «ایجاد شناخت»، «تقویت انگیزه» و «اصلاح محیط»، الگویی متوازن و واقع‌بینانه ارائه می‌دهد. موفقیت این الگو در گرو عزم جدی نهادهای تربیتی و فرهنگی برای فهم عمیق آن و سپس ترجمه آن به برنامه‌های عملیاتی و جذاب برای نسل جوان است. سرمایه‌گذاری بر این مسیر، اگرچه ممکن است به ظاهر کند و پرهزینه به نظر رسد، اما تنها راه دستیابی به جامعه‌ای است که هم از درون مصون است و هم از برون مقاوم.

منابع

قرآن کریم.

- ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. براتی، محمدعلی. (۱۳۹۵). تبیین عقاید و نقش آن در پیشگیری از انحرافات فکری. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- براتی، محمدعلی. (۱۳۹۵). تبیین عقاید و نقش آن در پیشگیری از انحرافات فکری. فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، ۱۱(۲۳)، ۷-۲۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۴۷). وسائل الشیعه. انتشارات اسلامیة.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ ق). مستند العروه. مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دانش، تاج الزمانی. (۱۳۸۰). جرم شناسی. انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. انتشارات شرکت سهامی.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. نامه پژوهش، (۸-۹)، ۵-۲۵.
- رحیمی، سید محمد. (۱۳۹۴). روش های تربیتی مقابله با شبهات عقیدتی در قرآن کریم [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث].
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۰). جامعه شناسی کجروی. پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۷۳). جامعه شناسی انحرافات. نشر مرندیز.
- طالبانی، محمدرضا. (۱۳۶۷). مقایسه نظارت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر [پایان نامه تحقیقاتی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه].
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. انتشارات جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ ق). النهایه. دار الکتب العربی.
- علیزاده، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی راهکارهای تقویت بصیرت دینی در سیره امام علی(ع) [پایان نامه دکتری، دانشگاه معارف اسلامی].
- فتح علی، محمود. (۱۳۸۵). مبانی تربیت دینی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کریمی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی راهکارهای تقویت بصیرت دینی در قرآن کریم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

کیانیان، مهدی. (۱۳۷۵). مبانی جرم شناسی. انتشارات دانشگاه تهران.

مساواتی آذر، مجید. (۱۳۷۹). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات. مجله علوم اجتماعی، (۱۵)، ۱۲۳-۱۴۵.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا.

نجفی، محمد حسن. (۱۴۱۷ ق). جواهر الکلام. دار احیاء التراث العربی.

نوروزی، رضا. (۱۳۹۷). نقش تربیتی فقه در مقابله با آسیب های اجتماعی. فصلنامه فقه و تربیت، ۵(۲)، ۵۸-۳۱.

هاشمی، سید احمد. (۱۳۸۱). بررسی کارایی امر به معروف و نهی از منکر در ساختارهای مختلف [پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه امام خمینی].

Atkinson, R. L., Atkinson, R. C., Smith, E. E., Bem, D. J., & Nolen-Hoeksema, S. (1992). *Introduction to psychology* (10th ed.). Harcourt Brace Jovanovich.

Haralambos, M. (1990). *Sociology: Themes and perspectives* (3rd ed.). Collins Educational.